

انتقال پایتخت: تکرار روش‌های شکست‌خورده یا فرصت جدید؟

تبلیغات و اخبار پراکنده مربوط به طرح انتقال پایتخت به شکل ناامیدکننده‌ای حاکی از این است که کارها بر همان پاشنه غلطی می‌چرخد که تاکنون چرخیده و منابع را هدر داده است.

به گزارش سایت خبری پُرسون، روزنامه شرق نوشت: روشی که تا حال در این طرح به کار گرفته شده، همان روش شکست‌خورده‌ای است که در تمام سال‌های گذشته بودجه و نیروی انسانی و زمان را از بین برده و نتیجه‌ای جز ضرر به بار نیاورده است.

در این طرح که مسئولیت آن به آقای معاون اول داده شده است، نهایت پنهان‌کاری صورت می‌گیرد.

چه شرکت‌ها و مؤسساتی در حال مطالعه‌اند؟ از سال ۱۳۹۴ که قانون امکان‌سنجی انتقال پایتخت مطرح شد، تا الان چه اقداماتی صورت گرفته است؟ تاکنون چه مبالغی برای این طرح هزینه شده است؟ درحالی‌که کارشناسان رشته‌های تخصصی مرتبط با این طرح آن را به سخره گرفته‌اند، کسی در دولت خود را مسئول پاسخ‌دادن به انبوه پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح است، نمی‌داند. ملت همچنان بی‌گانه‌اند.

گفته شده طرح انتقال پایتخت به این دلیل در دستور کار قرار گرفته است که تهران به دلایل زیست‌محیطی و کمبودهای مختلف دیگر قادر به ایفای نقش مرکزیت کشور نیست. این بهانه سرپوشی است بر بی‌کفایتی‌های مستمر و عمیقی که در مدیریت تهران در ۳۵ سال گذشته رخ داد و چه دولت‌ها و چه شهرداری با از بین بردن تمام ضوابط و اصول و قوانین شهرسازی و شهرداری تهران را به این روز انداختند.

اصرار بر روش‌های غلط همان نتایج غلط را هم تکرار می‌کند؛ فرار از مسئولیت، فرار از شناخت علمی و دقیق مشکلات، بی‌اعتنایی به نظرات کارشناسان مستقل و نهادهای مدنی و سازمان‌های حرفه‌ای، پنهان‌کاری گسترده، عدم درک توانایی‌ها و نقایص دولت و ... این طرح موهوم، به فرض که قرار به انجامش باشد، بدون شک بزرگ‌ترین، گران‌ترین، پیچیده‌ترین و دشوارترین طرح عمرانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که در یک قرن اخیر در ایران مطرح یا اجرا شده است.

آقای رئیس‌جمهور! در شرایطی که سخت‌ترین بحران‌ها گریبان کشور را گرفته است، اجازه ندهید با روش‌های شکست‌خورده منسوخ تنه امکانات مادی و انسانی کشور را به مزبله بریزند.

مسئله فقط طرح انتقال پایتخت نیست که برای مدتی سرگرمی دولتیان خواهد شد و پولی هم نصیب مشاوران می‌کند؛ ببینید کجای کارها اشکال دارد که اوضاع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور را به چنین روزی انداخته است. برای درک وضعیت کافی است دستور دهید:

فهرست پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی را به شما ارائه کنند. در سال ۹۸ یک مقام مسئول اعلام کرد ۸۱ هزار پروژه استانی نیمه‌تمام و سه هزار پروژه ملی نیمه‌تمام در کشور وجود دارد که برای اتمام آنها ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه لازم است. حسابش را بکنید، با افزایش قیمت‌ها در سال ۱۴۰۳ اتمام این پروژه‌ها چقدر بودجه می‌خواهد.

گزارش آزادراه تهران-شمال را بخواهید. این جاده ۱۲۵ کیلومتری بعد از ۲۸ سال هنوز به پایان نرسیده است.

گزارش عملکرد قوانین برنامه پنج‌ساله را بخواهید و ببینید آیا شاخصی بوده است که واقعا محقق شده باشد؟

این چند نمونه کوچک جذاب فاجعه‌بار در مورد طول دوره چند پروژه را هم ببینیم بد نیست:

احداث فرودگاه بین‌المللی سقز، ۲۷ سال

راه‌اندازی خط آهن همدان-سنندج، ۱۸ سال

راه‌اندازی مجتمع پتروشیمی گچساران، ۱۷ سال

آبرسانی به میانه از طریق سد گرمی‌چای، ۲۰ سال

بیمارستان امام خمینی شهریار، ۳۴ سال.